یادداشت روز

دموکرات‌های مهربان!

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ وقتی ارتش بعث عراق حمله به خاک ایران را آغاز کرد، برخی «رونالد ریگان» رئیس‌جمهور تازه به قدرت رسیده آمریکا از حزب جمهوری‌خواه را حامی جنون جنگ‌طلبانه «صدام حسین» معرفی می‌کردند. روایتی که اگرچه بخشی از حقیقت بود اما تمام آن نبود. ماه‌ها پیش از او «جیمی کارتر» رئیس‌جمهور دموکرات ایالات متحده که با شعار حقوق‌بشر برسرکار آمد و با انقلاب ایران شکست خورد، آتش‌بیار جنگ شده بود. سال ۱۹۸۱ «الکساندر هیگ» وزیر خارجه وقت آمریکا طی گزارشی از سفرش به غرب آسیا نوشت: «رئیس‌جمهور کارتر از طریق ملک فهد به عراقی‌ها برای حمله به ایران چراغ سبز نشان داده بود.» ریگان در تجهیز و تشویق ماشین جنگی صدام مسیری را ادامه می‌داد که کارتر آغاز کرده بود. با این حساب جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها در آمریکا به یک اندازه علاقه خود به ایران اسلامی را نشان می‌دادند! به تعبیر جان پیلجر روزنامه‌نگار استرالیایی حمایت از صدام برای جلوگیری از سرایت «ویروس انقلاب اسلامی ایران» به کشورهای تحت حمایت آمریکا در جهان عرب بود.

۱۲ سال بعد یک دموکرات دیگر به نام «بیل کلینتون» در آمریکا بر سر کار آمد. این بار رئیس‌جمهور دموکرات ایالات متحده مسیری را ادامه داد که سلف جمهوری‌خواه خود در غرب آسیا آغاز کرده بود. تحریم‌هایی که دولت بوش پدر علیه عراق آغاز کرده بود در دولت کلینتون آنچنان تشدید شد که سال ۱۹۹۷ مسئول هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در عراق با اعتراض به آن از سمت خود استعفا داد و در استعفانامه‌اش نوشت: «علت استعفای من سیاست کاملا ورشکسته تحریم‌های اقتصادی است. ما داریم جامعه‌ای را تماماً نابود می‌کنیم؛ به همین سادگی. ماهانه پنج هزار کودک می‌میرند. من دیگر حاضر نیستم مسئول انجام برنامه‌ای باشم که نتیجه‌اش چنین ارقامی است.» «دنیس هالیدی» سال بعد پس از بازدید از بیمارستان «المنصور» بغداد گفت: «امروز ما در این بیمارستان مدارک قتل‌هایی را دیده‌ایم که مسئولیتش بر دوش دولت‌های عضو شورای امنیت سازمان ملل و به ویژه «بیل کلینتون» و «تونی بلر» است. آنها باید اینجا می‌بودند و معنی اثرات ادامه تحریم اقتصادی‌شان را به چشم خود می‌دیدند.» «هانس فون اسپونک» جانشین هالیدی نیز اندکی بعد به همان علت استعفا داد و در توصیف اوضاع عراق گفت: «من در گذشته نمی‌خواستم واژه نسل‌کشی را به‌کار ببرم، اما حالا می‌بینم که این واژه اجتناب ناپذیر است.» کمیته تحریم سازمان ملل که تحت نفوذ آمریکا و انگلستان قرار داشت بسیاری از داروها و حتی تجهیزات اولیه مورد نیاز مردم عراق را به بهانه «استفاده دوگانه تسلیحاتی» تحریم کرده بود. مواردی مانند اکسید نیتروس(دارویی برای توقف خونریزی پس از زایمان)، آسپیرین، آنتی‌بیوتیک‌ها، ماشین‌های تجزیه پلاکت خون(برای بیماران سرطانی)، داروهای شیمی‌درمانی، مواد ضدعفونی‌کننده مانند کلر، حتی گرانیت مورد استفاده در مداد و بعضا چرخ‌دستی نیز شامل این تحریم‌ها می‌شد. کار به جایی رسید که برخی اعضای شورای امنیت نظیر فرانسه نیز به این تحریم‌ها اعتراض کردند اما نمایندگان آمریکا و انگلستان با اعمال حق وتو عملاً مانع بهبودی هر چند کوچک اوضاع می‌شدند. سال ۱۹۹۹ یکی از کارکنان ارشد دولت کلینتون به روزنامه «واشنگتن‌پست» گفت: «هر قدر که بیشتر بتوانیم در شورای امنیت بازی درآوریم و همه چیز را در حالت سکون نگه داریم، بهتر خواهد بود.» همان سال هفت نفر از اعضای کنگره آمریکا طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور این کشور تحریم‌ها علیه عراق را «کودک‌کشی با پوشش راهکار سیاسی» خواندند و از کلینتون خواستند به این روند خاتمه دهد. دولت دموکرات آمریکا اما قبلا جواب آنها را داده بود وقتی سال ۱۹۹۶ «مادلین آلبرایت» سفیر وقت آمریکا در سازمان ملل به مجری تلویزیون CBS که از او پرسید «نیم میلیون کودک در نتیجه تحریم‌های عراق جان باخته‌اند، آیا لازم بود چنین بهایی پرداخت شود؟» پاسخ داد: «ما فکر می‌کنیم این ارزش را داشته است.» دولت جمهوری‌خواه بعدی یعنی جورج بوش پسر با حمله به عراق و اشغال آن کار نیمه تمام کلینتون را به اتمام رساند.

۸ سال بعد «باراک اوباما» یکی دیگر از نامزدهای حزب دموکرات آمریکا در این کشور به ریاست‌جمهوری رسید. اوباما با همان مهربانی همیشگی دموکرات‌های آمریکایی گام در مسیری گذاشت که سلف جمهوری‌خواه‌اش طراحی کرده بود. آبان ۱۳۸۷ «محمدجواد ظریف» سفیر سابق ایران در سازمان ملل با اشاره به اقدامات دولت بوش در برگزاری کارگاه‌های نافرمانی مدنی برای گروه‌های ایرانی در خارج از کشور گفت: «واشنگتن در حال توطئه برای ایجاد اختلاف میان ایرانیان است تا دولت تهران را سرنگون کند... انقلاب مخملی در ایران را نباید نگرانی بی‌اساس دانست.» کمتر از ۷ ماه بعد اقدامات دولت بوش در دوره اوباما و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ ایران به ثمر نشست. تنها یک هفته از انتخابات ایران گذشته بود که رئیس‌جمهور دموکرات ایالات متحده در گفت‌وگو با تلویزیون CBS پشتیبانی آمریکا از آشوبگران را اعلام کرد و گفت در کنار آنها ایستاده است. اوباما ۲۹ بهمن همان سال نیز در حالی که آشوب‌های خیابانی به روزهای پایانی خود رسیده بود به خبرگزاری فرانسه گفت: «ایرانی‌ها باید شجاعت لازم برای آزادی بیان را داشته باشند و به اعتراضات خود ادامه دهند.» یک سال بعد در ۳ آبان ۱۳۹۰ «هیلاری کلینتون» وزیر خارجه وقت آمریکا با صراحت بیشتری درباره آن روزها به تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی گفت: «دولت آمریکا از بیرون ایران هر حمایتی از دستش بر می‌آمد از معترضان کرد، از جمله از سایت توییتر خواست که اعمال تغییرات خود را مدتی به تعویق بیندازد.» او پیش از این نیز در اوج آشوب‌های تهران، ۱۹ مرداد ۱۳۸۸ در گفت‌وگو با CNN راهبرد دولت دموکرات آمریکا در حمایت از آشوب‌طلبان را توضیح داده بود: «ما پشت پرده کار می‌کردیم. ما کارهای زیادی می‌کردیم تا بدون اینکه سر راه واقع شویم، واقعاً به معترضان قدرت ببخشیم، ما به حمایت لفظی و پشتیبانی از مخالفان ادامه می‌دهیم.» کلینتون ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ نیز به عنوان وزیر خارجه آمریکا با صدور بیانیه‌ای گروهک آدمکش مجاهدین خلق(منافقین) و حامیانش را از فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده خارج کرد. اما این تنها مسیری نبود که دولت جمهوری‌خواه بوش پیش پای دولت دموکرات اوباما گذاشته بود. ۲۲ می ۲۰۰۷ «ای‌بی‌سی نیوز» از دستور بوش برای اجرای یک «عملیات مخفیانه» خبر داد و نوشت: «این طرح شامل تخریب اقتصاد ایران با دستکاری نرخ ارز و معاملات مالی بین‌المللی است.» «بروس ریدل» افسر بازنشسته CIA در امور ایران و منطقه غرب آسیا در این زمینه به ای‌بی‌سی نیوز گفته بود: «فشار اقتصادی بر ایران می‌تواند مؤثرترین ابزار در دست CIA باشد. به خصوص پیگیری حساب‌های مورد استفاده برای تأمین بودجه برنامه هسته‌ای و معاملات سپاه پاسداران.» این طرح در دوران اوباما با جدیت دنبال شد. رئیس‌جمهور دموکرات ایالات متحده دست کم ۹ «فرمان اجرایی» برای تحریم ایران صادر و پای ۵ قانون تحریمی تصویب شده کنگره را نیز امضا کرد. این آمار در دولت جمهوری‌خواه بوش تنها شامل یک دستور اجرایی و تصویب ۳ قانون تحریمی می‌شد. «قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محرومیت»(CISSADA) اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین قانون تحریمی ایران بود که ۲۴ ژوئن سال ۲۰۱۰ در سنای آمریکا به تصویب رسید و اول جولای همان سال با امضای اوباما رسمیت پیدا کرد. قانونی که در آن بارها به آشوب‌های سال ۸۸ اشاره شده و در مقدمه‌اش خواستار تخصیص بودجه اضافی برای حمایت از عوامل آن شده بود. با این حساب می‌توان باراک اوباما را «آقای تحریم‌ها» لقب داد.

حالا ۴ سال پس از «آقای تحریم‌ها»، معاون او به عنوان نامزد حزب دموکرات برای ریاست‌جمهوری آمریکا معرفی و پس از انتخاباتی بحث‌برانگیز از سوی رسانه‌ها پیروز انتخابات اعلام شده است. «جو بایدن» نیز به اندازه همه دموکرات‌های دیگر آمریکا مهربان است. او سیاست «فشار حداکثری» دونالد ترامپ را به نفع ایران خواند و در مقاله‌ای برای CNN نوشت: «راه هوشمندانه و حساب شده دیگری نیز برای سخت‌گیری علیه ایران وجود دارد.» بایدن مقاله‌اش را با این جملات به پایان رساند: «با استفاده از توافق کمک‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل که در زمان معاونت ریاست‌جمهوری من امضا شد، آمریکا از نزدیک با اسرائیل همکاری خواهد داشت تا اطمینان حاصل کند که تل‌آویو می‌تواند از خودش در برابر ایران و بازیگران نیابتی آن دفاع کند. ما همچنین به استفاده از تحریم‌های هدفمند علیه نقض حقوق‌بشر در ایران، حمایت این کشور از تروریسم و برنامه موشک‌های بالستیک ادامه خواهیم داد. اگر ایران تقابل را انتخاب کند، من آماده هستم تا از منافع حیاتی و نیروهای‌مان دفاع کنم.» ماجرای مهربانی بایدن با ایران تازه شروع شده است. مسلما این مقاله را می‌توان چند سال دیگر با جزئیاتی جدید به‌روز کرد اما اصلا دوست نداریم آن روز علاوه‌بر فناوری هسته‌ای، ظرفیت‌های دیگر کشور را هم معلق و تحریم‌ها را پابرجا ببینیم و همچنان مجبور باشیم برای عده‌ای از سابقه دموکرات‌های مهربان بگوییم.

سید محمدعماد اعرابی

گزارش خبری تحلیلی کیهان از سخنان دیروز رئیس‌جمهور

مهار تورم به تدبیر نیاز دارد نه مذاکره

سرویس سیاسی- **مواضع دولت به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که در آن پالس مذاکره مجدد مشهود است در حالی است که بعید است دولتمردان آنهم پس از ۷ سال آزمون و خطا به درک این واقعیت نرسیده باشند که مهار تورم و حل بسیاری از مشکلات امروز کشور به مذاکره یا تحریم ربطی ندارد و با اندکی تدبیر قابل حل است.**

حجت‌الاسلام روحانی، رئیس‌جمهور دیروز چهارشنبه، (۲۱ آبان) در جلسه هیئت دولت با اشاره به نتیجه اعلام‌شده انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا گفت: رئیس‌جمهوری که همواره به‌دنبال تحقیر ملت‌ها بود و صراحتاً اسم گاو شیرده را به کار می‌برد، در یک انتخابات با مخالفت قاطع مردم مواجه شد و این بسیار حائز اهمیت بود.

روحانی با اشاره به پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا گفت: این آقایی که آمده از ابتدای تبلیغات انتخابات گفته می‌خواهیم به برجام برگردیم. خب ما که در داخل برجام بودیم و ۴+۱ هم داخل برجام بوده، حالا در تعهدات سستی کرده‌اند و ما هم متقابلاً تعهدات را کاهش داده‌ایم، ولی بالاخره همه در داخل برجام بوده‌ایم. این برعهده آنهاست. اگر به وظیفه خود عمل کردند می‌توانند راه جدیدی عمل کنند. ما برنامه‌مان را در داخل کشور به اراده آنها پیوند نمی‌زنیم، بلکه برنامه ما به اصول ما پیوند خورده است.

روحانی تصریح کرد: امیدواریم مردم آمریکا شرایط را به‌گونه‌ای رقم بزنند که شاهد این باشیم که کاخ سفید بر مبنای منافع این کشور و بدون تحقیر ملت‌های دیگر و پایبندی به تعهدات خود به مسیر درست برگردد.

وی با بیان اینکه ما هرکجا ببینیم که شرایط برای لغو تحریم آماده است از این فرصت استفاده خواهیم کرد، گفت: هدف ما این است تحریم ظالمانه لغو شود و به راحتی در تعامل در جهان باشیم و هدف این است فشار تحریم را از شانه مردم برداریم. هر کجا فرصت فراهم باشد اقدامات و وظایف خودمان را انجام می‌دهیم. کسی حق ندارد فرصت‌سوزی کند. باید از فرصت‌ها بر مبنای منافع ملی و وحدت ملی استفاده کنیم.

پالس مجدد مذاکره به‌خاطر منافع ملی؟!

متأسفانه دولتمردان و جریان سیاسی حامی دولت ضمن خوش‌خیالی به پیروزی دموکرات‌ها این تصور را دارند که این حزب سیاسی آمریکایی می‌تواند حل‌المسائل کشور بوده و روی کار آمدن آنها فشار تحریم را منتفی خواهد کرد.

از این رو پس از پیروزی «جو بایدن» در انتخابات آمریکا با بررسی مواضع برخی دولتمردان به راحتی می‌توان دریافت که «پالس مذاکره» را با ذوق‌زدگی سیاسی به طرف غربی که هنوز در کاخ سفید مستقر نگردیده، به‌طور آشکارا ارسال می‌کنند.

«محمدجواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران نیز در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌بی‌اس نیوز عنوان کرده بود که اظهارات اردوگاه بایدن امیدوارکننده‌تر است، اما باید منتظر ماند و دید. وی در پی سفرش به ونزوئلا در گفت‌وگویی تصریح کرد: مشخص است بین بایدن و ترامپ تفاوت است.

علاوه بر روحانی و ظریف؛ «علی ربیعی» سخنگوی دولت نیز روز شنبه در یادداشتی تحت عنوان «ساکن ژانویه کاخ سفید» در واکنش به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نوشت: «به تفاوت بالقوه روسای‌جمهور آمریکا بی‌توجه نیستیم» و «آمریکا می‌تواند به خط‌مشی عاقلانه برگردد.»

همچنین اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور و محمود واعظی رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور نیز در واکنش به نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موضع معنا داری داشتند که به‌نظر می‌رسد که پاستورنشینان به نوعی با ارسال پالس مذاکره از نامزد پیروز انتخابات آمریکا می‌خواهند پای میز مذاکره بیایند.

برهوت تدبیر و سراب مذاکره

این در حالی است که رسانه‌ها و روزنامه‌های زنجیره‌ای حامی دولت نیز طی روزهای گذشته با هیجان و ذوق‌زدگی تمام تیتر صفحه نخست خود را به «جو بایدن» اختصاص داده و او را بازگشت امید به ایران و راه‌گشای برون رفت از بن‌بست موجود عنوان کردند.

مدعیان اصلاحات که طی ۷ سال گذشته همه مسائل اقتصادی کشور را به آمریکا و برجام گره‌زده و سفره مردم را هر روز کوچک‌تر از روز قبل کرده‌اند، این روزها بار دیگر به انتخابات آمریکا دخیل بسته و آینده اقتصاد کشور را در پیروزی این یا آن نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا جست‌وجو می‌کنند. این جریان سیاسی که هیچ برنامه‌ای برای برون رفت مشکلات کشور ندارند در تلاشند با ایجاد دوقطبی مخرب دیگری و دادن آدرس غلط کشور را وارد دور باطل تازه‌ای کنند.

نکته قابل تأمل اینکه خوش خیالی تأسف‌بار دولتمردان و جریان سیاسی حامی‌دولت به نامزد پیروز حزب دموکرات‌های آمریکا برای مذاکره و حل مشکلات کشور درحالی است که مواضع بایدن به خوبی نشان می‌دهد دولت محترم بار دیگر در برهوت تدبیر به‌دنبال سراب است.

ادعای بازگشت بایدن به برجام، گشایش یا تشدید محدودیت‌ها؟!

بایدن در ۱۳ سپتامبر سال جاری یادداشتی را در سی‌ان‌ان منتشر کرد که به موضوع ایران اختصاص داشت. او تیتر یادداشتش را این‌گونه انتخاب کرد: «راه هوشمندانه‌تری برای سخت‌گیری بر ایران وجود دارد.» بایدن در این یادداشت بازگشت به برجام را آغازی برای تشدید محدودیت‌های هسته‌ای و برجامی عنوان کرده و فشار بیشتر بر ایران در حوزه‌های دیگر نظیر موشکی، منطقه‌ای و حقوق بشری را در چشم‌انداز خود متصور است. به عبارتی، بایدن هدف از بازگشت به برجام را نه رفع تحریم‌ها، بلکه اجماع‌سازی علیه ایران و فشار بر تهران در حوزه‌های متنوع است.

از سوی دیگر کارشناسان معتقدند هیجان و ذوق‌زدگی برخی در داخل و بزک بایدن توسط این جریان و همچنین از سوی دیگر اتخاذ سیاست‌های نادرست و ارسال پالس مذاکره نه‌تنها گره‌ای از کار کشور باز نمی‌کند، بلکه میدان و دست دموکرات‌ها را برای اعمال فشارهای بیشتر باز می‌کند.

۷ سال گره زدن معیشت مردم به مذاکره کافی نیست؟!

این درحالی است که بعید است دولتمردان آن‌هم پس از ۷ سال آزمون و خطا به درک این واقعیت نرسیده باشند که مهار تورم و حل بسیاری از مشکلات امروز کشور به مذاکره و تحریم ربطی ندارد و با اندکی تدبیر قابل حل است.

به عقیده کارشناسان هرچند شیوع ویروس کرونا را شاید در ماه‌های اسفند و فروردین ۹۹ بتوان در زمینه افت اقتصادی کشور تأثیرگذار ارزیابی کرد اما در ماه‌های بعد از آن این بیماری در سطحی گسترده کنترل و مدیریت شد.

در سطحی دیگر باید توجه داشته باشیم که تحریم‌ها سنگین‌تر نشده و هرچه زمان سپری می‌شود، راه‌هایی برای مقابله با آنها در دسترس قرار می‌گیرد.

بقیه در صفحه ۱۱

خبر ویژه

این کارنامه اقتصادی افتخار دارد، آقای روحانی؟!

آقای روحانی دیروز در اظهارنظری عجیب که به پالسی غلط برای مذاکره با آمریکا تعبیر شد، گفت: «ملت ایران ثمره مذاکره با دنیا را در سال ۹۵ و ۹۶ دیدند. شرایط ما در این دو سال در بهترین شرایط ۴۰ سال اخیر بود. تورم ما یک‌رقمی بود. بالاترین رشد اقتصادی جهان را داشتیم».

اولا فعلا بر سر سرنوشت انتخابات آمریکا، میان بایدن و ترامپ دعوای جدی در جریان است، و اگر آمریکا از این دعوا جان به در ببرد، تازه دو ماه و نیم دیگر شاهد تشکیل دولت جدید خواهد بود و در واقع دولت جدید - در صورتی که مشکلی پیش نیاید- تا پایان سال ما، گرفتار تشکیل و ترکیب‌بندی خود خواهد بود. بماند که تکلیف دولت جدید ایران هم در انتخابات خردادماه معلوم می‌شود. با وضعیت آمریکا، اصلا مسئله جو بایدن و تیمش، مذاکره با ایران نیست؛ چنانکه برخی دولتمردان به مبتذل‌ترین شکل ممکن القا می‌کنند. باید توجه داشت که مذاکره با رژیم عهدشکن آمریکا (با دو صورت اوبامایی و ترامپی) ذاتا بیهوده و منتفی است؛ اما به فرض محال حتی اگر بنای بر مذاکره هم بود، نوع فاکتور درست کردن شخص آقای روحانی برای آمریکایی‌ها هم در نوع خود، قابل تأمل و تأسفبار است. حرف اخیر ایشان در واقع، آمریکای بدهکار را طلبکار می‌کند؛ چرا که بهبود ادعایی رشد اقتصادی را هم صراحتا، به مذاکره با آمریکا نسبت می‌دهد!

اما از بُعد اقتصادی، روشن نیست که ما آقای روحانی پُز چه چیزی را می‌دهد؟! هفت سال مدیریت ایشان، انباشته از بی‌ثباتی اقتصادی و تشدید رکود و تورم بوده است. سیاست تعلیق و انتظاری که او به اقتصاد تحمیل کرد، ابتدا در قالب «رکود عمیق» خودنمایی کرد؛ چنانکه چهار وزیر در اقدامی بی‌سابقه، در میانه سال ۹۴، نامه‌ای هشدارآمیز به او نوشتند و درباره رکود و تعطیلی اقتصاد هشدار دادند.

پس از اجرای برجام، آمریکا به مدت کوتاهی، اجازه تنظیم چند قرارداد (خرید هواپیما، پژو و توتال) را و همچنین فروش نفت بیشتر به‌طور موقت را داد؛ در حالی که همزمان بر خریداران نفت فشار می‌آورد تا در فواصل سه تا شش ماهه، خرید نفت ایران را کاهش دهند. دولت اوباما همزمان سرمایه‌گذاران را تهدید به تحریم می‌کرد.

افزایش فروش موقت نفت، موجب افزایش درآمد شد و بنابراین در محاسبات خام رشد اقتصادی به چشم آمد؛ اما این رشد به تعبیر کارشناسان حامی دولت (مومنی، راغفر و...) «رشد بی‌کیفیت و بی‌خاصیت» بود که اقتصاد ما را معتادتر و بی‌رمق‌تر می‌کرد و اتفاقا تأثیر ویرانگر بر تولید داشت که در معرض واردات بی‌رویه قرار گرفته بود.

این مجال موقت چرا داده شد؟ یکی برای اثرگذاری بر انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری در بهمن ۹۴ و خرداد ۹۶، و دیگری برای شرطی‌سازی و فریب ایران، در جهت احساس نیاز بیشتر و اجبار به نشستن پای میز مذاکره. در این مدت، کلا سه فروند هواپیما به ایران فروخته شد، تا بر انتخابات مجلس اثر بگذارد. هدف، صرفا شیرینی آدامسی بود.

سال ۹۶ اتفاقا یکی از تلخ‌ترین سال‌ها به لحاظ مدیریت اقتصادی است. دو سه ماهه اول سال، با شیرین کردن کام برخی گروه‌ها مثل معلمان و بازنشستگان و... گذشت تا انتخابات؛ اما پس از آن، واقعیت مدیریت دولت در قالب اعتراضات معیشتی پدیدار شد، چنانکه تابستان، شاهد تعطیلی برخی کارخانه‌ها و اعتراضات کارگری بودیم و سپس فتنه دی‌ماه ۹۶.

آقای روحانی درباره تورم یک‌رقمی موقت درست می‌گوید؛ اما نمی‌گوید که در چند سال اول، تورم را به قیمت تحمیل رکود اقتصادی شدید، زمین خوردن تولید، تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج کارگران، تک‌رقمی کرد!

اینجا هم کارشناسان - حتی حامی دولت- می‌گویند تحمل تورم، بر رکود ترجیح دارد؛ چرا که رکود به معنی زمینگیر شدن و تعطیلی اقتصاد و بیکاری است و طبعا به‌دنبال خود، موج تورمی بزرگ‌تری هم می‌آورد.

این واقعیت گزنده را به‌ویژه در سه سال اخیر شاهد هستیم. در واقع، برآیند هفت سال - سوء- مدیریت آقای روحانی، کلکسیونی از رکوردهای «تورم (بعضا بیش از صددرصد در یک سال!)، رکود بی‌سابقه، افزایش ضریب جینی، متوسط رشد اقتصادی منفی، سختی کسب‌وکار، بیکاری، و نقدینگی» است.

نکته بسیار مهم: از نگاه اغلب کارشناسان، علت نود درصد این به‌هم ریختگی‌های اقتصادی فعلی، سوءمدیریت است و نه تحریم یا عدم مذاکره. بلکه نتایج مذاکره پُرخطا هم، در تشدید این وضعیت اثر جدی داشته است.

رکود تحمیلی به بخش‌های مسکن و برخی پیشران‌های مهم، نابسامانی بازار گوشت و گوجه و مرغ و تخم‌مرغ و روغن و پوشک، و هفته‌ها معطل ماندن یا دپو شدن کالاها در برخی بنادر و گمرکات یا در انبارهای محتکران، اسناد متواتر بر این ادعاست.

آرمان: خوش‌خیالی خسارت است بایدن تحریم‌ها را افزایش می‌دهد

یک روزنامه اصلاح‌طلب با وجود فضاسازی گسترده در استقبال از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات آمریکا طی چند روز گذشته، اذعان کرد: بایدن به دنبال تحریم‌های هوشمند و تحریم‌های جدید علیه ایران خواهد بود.

اعلام پیروزی جو بایدن در انتخابات آمریکا اثرات روانشناختی جدیدی بر فضای جامعه حاکم کرد؛ به گونه‌ای که در ابتدای این اعلام شاهد کاهش نرخ ارز دلار بودیم. شعار بازگشت به توافقات بین‌المللی از سوی جو بایدن باعث شده که امیدی در راستای بازتولید برجام پدید آید اگرچه این رخداد به دور از انتظار نیست، اما باید اذعان کرد که شرایط کنونی ایران و منطقه به خصوص موقعیت آمریکا می‌تواند سناریوی متفاوتی را پیش آورد.

روی کار آمدن جو بایدن که ارتباط نزدیکی با کشورهای اروپایی دارد و قول بازگشت سریع به پیمان‌های بین‌المللی را داده است، باعث نزدیکی و شکل‌گیری دوباره جبهه واحد غرب خواهد شد. به سادگی قابل تصور است تحریم‌های موجود با اعمال تحریم‌های جدید توسط دولت همراه شود. اکنون این سناریو قابل تصور است که دولت بایدن با ادعای حقوق بشری، آزادیخواهانه، توسعه و عدم دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای شرایط جدیدی را پیش روی ایران قرار خواهد داد. بدون تردید دولت جو بایدن با حفظ شرایط تحریمی موجود و نوعی دیپلماسی هوشمند به دنبال کسب امتیازات جدید خواهد بود. به نظر می‌رسد برای این منظور تحریم‌های اثرگذار جدیدی در راه باشد. براین مبنا بایستی در مدت زمان کوتاهی شاهد دیپلماسی تنش‌زدایی آمریکا با کشورهای غربی بوده و سپس منتظر افزایش فشارباید ایران جهت کشاندن به پای میز مذاکره به منظور استیلای حداکثری بود. آنچه روشن است تحریم‌های جدید ایالات متحده با توجه به سبک دیپلماسی دموکرات‌ها کاملا هوشمندانه بوده و با جلب همکاری حداکثری اعضای دیگر برجام تحریم‌های اثرگذارتری را به مراتب شاهد خواهیم بود. در نهایت اینکه خوش‌بینی به تغییرات در ایالات متحده آمریکا می‌تواند نتایج غیرقابل جبرانی را به کشور تحمیل کند.

دموکرات‌ها درباره برجام کدام نقشه را اجرا می‌کنند؟

دموکرات‌های آمریکا بازی شناخته شده‌ای دارند. آنها احتمالاً به برجام برمی‌گردند، بدون تعلیق تحریم‌ها. این همان کاری است که ۵ سال قبل هم کردند.

این ارزیابی را روزنامه وطن امروز منتشر نموده و تأکید کرده است: دموکرات‌ها تاکید دارند «برجام»، نقطه آشکارساز امکان تغییر استراتژی‌ها و ثوابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. یکی از مهم‌ترین دلایل تاکید دموکرات‌ها بر «احیای ظاهری برجام» همین مسئله است. انتقاد دموکرات‌ها از ترامپ، بابت چرایی «عهدشکنی» یا «عدم بهره‌مندی ایران از منافع برجام» نبود، بلکه آنها معتقد بودند ترامپ با خروج از برجام، «دروازه ورود به حوزه استراتژیک ایران» را تخریب کرد.

دموکرات‌ها «برجام» را یک «ابزار» و نه یک «سند حقوقی» یا «هدف» قلمداد می‌کنند! بر همین اساس، قطعا دولت بایدن پس از حضور در کاخ سفید، تن به تعلیق تحریم‌های ایران (حتی در صورت اعلام بازگشت به برجام) نخواهد داد. بایدن و دموکرات‌ها معتقدند اگر تحریم‌های بانکی، نفتی، اعتباری، بیمه‌ای و... در قبال ایران تعلیق شود، اهرم «فشار هوشمندانه علیه ایران» از بین خواهد رفت.

سؤال اصلی اینجاست: دموکرات‌ها در این باره چه تدابیری را اندیشیده‌اند؟ پاسخ این سؤال مشخص است: «بازگشت به برجام» در عین «عدم تعلیق تحریم‌های ایران»! دموکرات‌ها در مدیریت این بازی ید طولایی دارند! سال ۲۰۱۵ میلادی، زمانی که توافق هسته‌ای میان ایران و اعضای ۱+۵ مورد تایید کنگره آمریکا قرار گرفت، «جان کری» و «جک لو» وزرای اسبق خارجه و خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای به شرکت‌ها و مؤسسات اعتباری و بانکی در سراسر اروپا و جهان اعلام کردند در عین تعلیق تحریم‌های ایران، آنها باید مراقب «ضریب ریسک‌پذیری سرمایه» خود در آینده باشند! آنها تعلیق تحریم‌های ایران را با چاشنی «هشدار» به شرکت‌های بین‌المللی اعلام کردند. در این میان، هزاران شرکت و کمپانی خصوصی در جهان، پیام دموکرات‌ها را به وضوح دریافت کردند! در نهایت، تعداد انگشت‌شماری از بانک‌ها (آن هم به صورت محدود) با ایران وارد تعامل شدند. نتیجه این بازی هدفمند، عدم حضور شرکت‌های خارجی در ایران بود.

دولت بایدن به شرکت‌ها و کمپانی‌های بین‌المللی هشدار خواهد داد مراقب سرمایه‌های خود در تعامل با ایران باشند! در عین حال، بایدن تاکید خواهد کرد جلوی این شرکت‌ها را جهت سرمایه‌گذاری در کشورمان نخواهد گرفت(!)

شاید برخی افراد ساده‌لوح تصور کنند دموکرات‌ها تا الان صرفا روی پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ متمرکز بوده و بتازگی قصد چینش قواعد و تاکتیک‌های بازی خود در قبال کشورمان را دارند! حتی در مواضع برخی دولتمردان ما در قبال پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، این رویکرداشتباه و خطرناک قابل مشاهده است. فراتر از همه این موارد، دموکرات‌ها با بازگشت اعلامی به برجام، در آینده قدرت پیدا می‌کنند با عنوان «عضو حاضر در توافق هسته‌ای»، تهدید استناد به مکانیسم ماشه علیه ایران و کشاندن پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد را پیدا کنند!

امیدواریم کسانی که به لبخندهای جو بایدن و عشوه‌های کریه دموکرات‌های بدسابقه دل بسته‌اند، هر چه سریع‌تر متوجه شوند دموکرات‌ها حتی از جمهوری‌خواهان نیز خطرناک‌ترند.

کارچاق‌کن سیاسی حزب منحله و مفسد بزرگ صندوق فرهنگیان

مدیر صندوق ذخیره فرهنگیان که به اتهام فساد مالی سنگین در حال محاکمه است، از جمله حامیان تحصن تندروها در مجلس ششم بود. شهاب غندالی از جمله افراطیون مدعی اصلاحات است که در دوره موسوم به اصلاحات، در پوشش فعالیت‌های صنفی فرهنگیان، سعی می‌کرد معلمان و فرهنگیان را در خدمت فعالیت‌های ساختارشکنانه حزب مشارکت و دیگر احزاب تندرو به خدمت بگیرد.

به گزارش رجانیوز، تاکنون افراد بسیاری از مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره وقت بانک سرمایه، از جمله علی بخشایش، پرویز کاظمی و محمدرضا توسلی اعضای وقت هیئت‌مدیره که به ۲۰ سال حبس محکوم شدند، گرفته تا بدهکاران کلان بانکی از جمله حسین هدایتی معروف به عابر بانک، هادی رضوی داماد شریعتمداری وزیر رفاه و احسان دلاویز در این پرونده محاکمه شدند.

در طول چند سال اخیر در عمده جلسات رسیدگی به پرونده متهمان بانک سرمایه، نام غندالی به عنوان نخ ارتباط شکل‌گیری این فساد بزرگ بانکی شنیده می‌شد. از ۲۷ مرداد ماه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد امامی و ۳۲ متهم دیگر آغاز شده است و تاکنون ده جلسه از دادگاه برگزار شده است. حال علاوه بر غندالی نام همسر وی نیز این روزها در پرونده رسیدگی به اتهامات محمد امامی بسیار شنیده می‌شود. در واقع حضور همسر دوم شهاب‌الدین غندالی، رئیس پیشین صندوق ذخیره فرهنگیان از جمله نکات قابل توجه جلسات اخیر دادگاه محمد امامی بوده است. اما نقش همسر دوم غندالی در این پرونده فساد اقتصادی چیست؟

خانم «ف - ش» در این پرونده متهم است به معاونت در اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از طریق تسهیل در فرآیند دریافت غیرقانونی ضمانت‌نامه‌ها و تسهیلات به نفع شرکت‌های منتسب به محمد امامی و امیررضا فرزان‌راد و پولشویی به شرح مذکور در بند «ب» از اتهامات شهاب‌الدین غندالی از طریق تحصیل اموال و وجوه با علم به منشأ مجرمانه. در واقع شهاب‌الدین غندالی با هدف اختفای منشأ مجرمانه اموال و وجوه دریافتی، نسبت به انتقال آنها به نام همسر دومش و فرزند همسرش اقدام نموده است. از جمله این هدایا، خودروی لکسوس، دو ملک در ساختان بام نیاوران و همچنین ملکی در شمشک و دیزین.

گفتنی است با روی کار آمدن دولت روحانی غندالی از جمله گزینه‌های سکان‌داری وزارت آموزش و پرورش بود که برای این وزارتخانه برنامه هم داده بود. او ۲۳ مهرماه سال ۹۲ از سوی سرپرست وقت وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مدیرعامل صندوق ذخیره فرهنگیان منصوب شد.

یکی از نکات قابل توجه در سابقه مدیریتی غندالی، استعفای او از معاونت توسعه مدیریت و پشتیبانی آموزش و پرورش در دوره اصلاحات در دفاع از متحصنین مجلس ششم می‌باشد.

حجم فساد در صندوق ذخیره فرهنگیان بالغ بر ۱۱ هزار میلیارد تومان است.

مقاومت ایران ترامپ را به هزیمت کشاند

ترامپ با وجود قلدری بسیار و دستاوردهای اقتصادی که به آن افتخار می‌کرد، از جایی ضربه خورد که به مخیّله کسی نمی‌رسید.

عبداله گنجی در یادداشت روزنامه جوان، از منظر اعتقادی به شکست ترامپ پرداخته و می‌نویسد: ترامپ بیکاری در آمریکا را در ۴۰ سال گذشته به کمترین رقم رساند. با قرارداد ۴۰۰ میلیارد دلاری با سعودی‌ها رونق کسب‌وکار را به راه